



Assistance in Suicide in Iranian and Afghan Criminal Law

Masoud Mostafapour ¹, Valiullah Mohammadnejad Velamdehi ²

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Shahed University, Iran, Tehran (Corresponding Author), Email: m.mostafapour@shahed.ac.ir

2. Master of Islamic Studies from the Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Iran, Qom, Email: abas.mah.1366@gmail.com

Abstract

Although suicide has not been changed from tabooing into criminalization in the Islamic Penal Code, but the seriousness of the aforementioned behavior has forced the Iranian legislator to criminalize assistance in suicide for the first time in the Computer Crimes Act, not as an accessariness, but as an independent criminal title. In this regard, with the advancement of protective victimology and attention to the category of "potential victims", the legislator has once again considered this behavior punishable in the real space, beyond cyberspace or, in other words, computer, telecommunication systems and data carriers, in the Protection of Children and Adolescents Act. The importance of this issue is also clear in the Afghan Penal Code; where the Afghan legislator, as a general rule, and without distinguishing between the real and cyberspace on the one hand, and children and adolescents of other age groups on the other hand, has anticipated graduated punishments according to the degree of harm caused to the person being assisted. Accordingly, the present article, relying on the descriptive-analytical method, by comparing the criminalization of assistance in suicide in the Iranian criminal laws and the Afghan penal code, seeks to compare the similarities and differences between these laws, and in the event of legislative errors, to present corrective suggestions, such as criminalizing assistance in suicide of young people and older people in the real space in the Iranian criminal laws, which currently lack a criminal title.

Keywords: assistance in suicide, aiding in sin, established life, physical and mental harm, disability.

Received: 04/07/2025;

Revised: 23/08/2025;

Accepted: 19/09/2025

How To Cite: Mostafapour, Masoud & Mohammadnejad Velamdehi, Valiullah (2026). Assistance in Suicide in Iranian and Afghan Criminal Law, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 3 (1), 123-146. <http://www.doi.org/10.22091/DCLC.2025.13287.1094>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



مساعدت در خودکشی در حقوق کیفری ایران و افغانستان

مسعود مصطفی پور^۱، ولی‌الله محمدنژاد ولامدهی^۲

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، ایران، تهران (نویسنده مسئول)، رایانامه: m.mostafapour@shahed.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مدرسی معارف اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، ایران، قم، رایانامه: abas.mah.1366@gmail.com

چکیده

هرچند در قانون مجازات اسلامی، خودکشی از حرام‌انگاری به جرم‌انگاری مُبدل نشده است، لکن خطیر بودن رفتار مذکور قانون‌گذار ایرانی را مُجاب کرد که برای نخستین بار در قانون جرائم رایانه‌ای مساعدت در خودکشی را، نه در قالب معاونت در جرم، بلکه تحت عنوان مجرمانه مستقل جرم‌انگاری کند. در همین راستا، با پیشرفت بزه‌دیده‌شناسی حمایتی و توجه به مقوله «بزه‌دیدگان بالقوه»، بار دیگر مقنن در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، این رفتار را فراتر از فضای مجازی یا به تعبیری، سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی و حامل‌های داده، در فضای واقعی نیز قابل مجازات دانسته است. اهمیت این موضوع در کود جزا افغانستان نیز مشخص است؛ آنجا که قانون‌گذار افغان، به‌عنوان یک قاعده کلی و بدون تشکیک بین فضای واقعی و مجازی از یک سو و اطفال و نوجوانان از سایر رده‌های سنی از سوی دیگر، با توجه به میزان صدمه وارده بر مساعدت شونده، به پیش‌بینی مجازات‌های پلکانی پرداخته است. بر این اساس، نوشتار حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به دنبال آن است که با مقایسه جرم‌انگاری مساعدت در خودکشی در قوانین جزایی ایران و کود جزا افغانستان، به مقایسه تشابهات و تفاوت‌های این قوانین پرداخته و در صورت وجود اشکالات تقنینی، به ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی بپردازد؛ پیشنهادهایی نظیر جرم‌انگاری مساعدت در خودکشی جوانان و سنین بالاتر در فضای واقعی در قوانین جزایی ایران که اکنون فاقد عنوان مجرمانه است.

کلیدواژه‌ها: مساعدت در خودکشی، اعانت بر اثم، حیات مستقر، آسیب جسمی و روانی، معلولیت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

ستناد: مصطفی پور، مسعود و محمدنژاد ولامدهی، ولی‌الله (۱۴۰۵). مساعدت در خودکشی در حقوق کیفری ایران و افغانستان. *آموزه‌های*

حقوق کیفری کشورهای اسلامی، ۳(۱)، ۱۴۶-۱۲۳. <http://www.doi.org/10.22091/DCLC.2025.13287.1094>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

به گواه «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»^۱ مالکیت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، از آن خداست؛ خداوندی که مالک حقیقی تمامی موجودات بوده و آفرینش کائنات از آن اوست. در این میان، جان آدمی نیز در یدِ پُر قدرت خداست و انسان طبیعتاً اجازه سلب حیات از خویش را ندارد؛ منکری که بدین گونه مورد نهی قرار گرفته است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ و خودتان را مکشید، زیرا خداوند همواره با شما مهربان است و هر کس از روی ستم چنین کند، به زودی وی را در آتش درآوریم و این کار بر خدا آسان است.»^۲ عتاب و خطاب این آیه، تردیدی بر جای نمی‌گذارد که در لسان قرآن کریم و فقه جزایی اسلام، خودکشی عملی حرام پنداشته شده که هر انسان روشن‌ضمیری را نه تنها از انجام این رفتار باز می‌دارد، بلکه مساعدت در وقوع آن را نیز تابع «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید»^۳ می‌داند. این مهم در کلام فقها تحت قاعده «حُرْمَتِ اعَانَتِ بِرِائِمٍ»^۴ می‌گنجد که به حکم «التعزیر لکل عمل مُحْرَمٍ»^۵، مُعین (مساعدت کننده) را در فرض وجود تمامی شرایط، مستوجب تعزیر می‌داند.

در ادبیات حقوق کیفری نیز مساعدت در خودکشی به دلیل پیامدهای جبران‌ناپذیر و غیرقابل برگشتش، قانون‌گذار را مُجاب کرده است در پاره‌ای از موارد، آن را در قامت جرمی مستقل تصویب کرده و برای مساعدت کننده، مجازات‌های تعزیری در نظر گیرد. البته در قوانین جزایی ایران، در مورد این جرم، چون زمان تصویب قوانین مربوطه متفاوت بوده (سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۹)، نوعی ناهماهنگی در قانون‌نگاری دیده می‌شود که نتیجه آن، وجود خلأ تقنینی در پاره‌ای از صور مساعدت در خودکشی است؛ حال آنکه این مُعضل حقوقی در کود جزا افغانستان به چشم نمی‌خورد. اهمیت این مسئله، بهانه‌ای گردید که با نگاهی تطبیقی، جرم مساعدت در خودکشی در نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان به بحث گذاشته شده و وجوه اشتراک و افتراق‌شان بیان گردد. در همین راستا

۱. سوره مبارکه مانده، آیه شریفه ۱۷؛ سوره مبارکه انعام، آیه شریفه ۱۲؛ و سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۱۱۶.

۲. سوره مبارکه نساء، آیه شریفه ۳۰.

۳. سوره مبارکه مانده، آیه شریفه ۲.

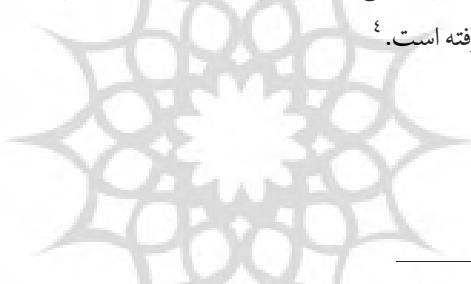
۴. ر.ک. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۴)، قواعد فقه (بخش جزایی)، چاپ پنجم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، صص ۱۹۲-۱۷۳.

۵. ر.ک. حاجی‌ده‌آبادی، احمد، (۱۳۹۱)، قواعد فقه جزایی، چاپ سوم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۳۱۲-۲۹۰.

و در ابتدا، ارکان متشکله مساعدت در خودکشی در دو نظام حقوقی فوق بیان می‌گردد و سپس مجازات آن نیز تشریح خواهد شد.

۱. رکن قانونی مساعدت در خودکشی

هرچند قانون مجازات اسلامی تعریفی از رکن قانونی ارائه نکرده است، اما مستند به ماده ۳۲ (ک.ج.ا)^۱ «رکن قانونی جرم عبارت از تصریح عمل جرمی و جزای معین آن در این قانون است». بنابراین رکن قانونی، به ماده یا موادی گفته می‌شود که به «تعریف جرم» و «تعیین مجازات» می‌پردازد. در همین راستا در قوانین جزایی ایران، مواد ۷۴۳ ق.م.ا.ت (۱۵ ق.ج.ر) مصوب ۱۳۸۸^۲ و ۱۴ (ق.ح.ا.ن) مصوب ۱۳۹۹^۳ به جرم‌انگاری مساعدت در خودکشی پرداخته‌اند؛ با لحاظ این نکته که ماده نخست، در بستر «سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده» بوده و ماده دوم، با محوریت «بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان» است. در کود جزای افغانستان نیز جرم‌انگاری این رفتار در ماده ۵۴۸ صورت گرفته است.^۴



۱. مقصود، کود جزا افغانستان است که مهمترین قانون جزای ماهوی این کشور تلقی می‌گردد.
۲. ماده ۷۴۳ ق.م.ا.ت. مقرّر می‌دارد: «هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: ... (ب) چنانچه افراد را به ارتکاب ... خودکشی ... تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود».
۳. ماده ۱۴ ق.ح.ا.ن. اشعار می‌دارد: «هرکس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود:
الف. هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛
ب. هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛
پ. هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.
۴. ماده ۵۴۸ ک.ج.ا. مقرّر می‌دارد:
 ۱. شخصی که دیگری را به خودکشی تحریک یا به نحوی از انحا در خودکشی وی کمک نماید و تحریک یا کمک وی منجر به خودکشی گردد، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد.
 ۲. هرگاه در اثر عمل مندرج فقره (۱) این ماده، شخص معلول گردد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می‌گردد.
 ۳. هرگاه در اثر تحریک مندرج در فقره (۱) این ماده، شروع به خودکشی صورت گرفته باشد محرک به حبس قصیر محکوم می‌گردد.
 ۴. شروع‌کننده به خودکشی مجازات نمی‌گردد».

۲. رکن مادی مساعدت در خودکشی

همسو با ساختاری مرسوم اجزاء سه‌گانه رکن مادی، «رفتار مجرمانه» و «شرایط قانونی» و «نتیجه مجرمانه» است که دو جزء نخست در تمامی جرائم، اعم از مقید و مطلق و جزء سوم، صرفاً در جرائم مقید وجود دارد. با این توضیح، اجزاء فوق در جرم مساعدت در خودکشی بررسی خواهد شد.

۱-۲. رفتار مجرمانه

در قوانین جزایی ایران، رفتارهای مجرمانه جرم مساعدت در خودکشی، در بند (ب) ماده ۷۴۳ ق.ج.ر، هفت مصداق «تحریک»، «ترغیب»، «تهدید»، «دعوت»، «فربب»، «تسهیل» و «آموزش»؛ و در ماده ۱۴ (ق.ح.ا.ن) دو مصداق «فراهم آوردن» موجبات خودکشی و «تسهیل» است. در کود جزا افغانستان نیز قانون‌گذار در ماده ۵۴۸، مصادیق دوگانه «تحریک» و «کمک کردن» را به‌عنوان رفتارهای مجرمانه جرم مساعدت در خودکشی تلقی کرده است.^۱ در همین راستا، در مورد رفتارهای مجرمانه هر دو نظام حقوقی مطروحه، توجه به نکات زیر فایده‌مند خواهد بود:

یک. وجه اشتراک هر دو نظام حقوقی آن است که مصادیق رفتاری آن «شمارشی» (حصری) است، نه نمونه‌ای (تمثیلی). بنابراین قاضی مکلف است در رأی صادره مشخص نماید که مرتکب، مستند به کدام یک از رفتارهای فوق، مساعدت در خودکشی داشته است.

دو. در هر دو نظام، رفتارهای مجرمانه «ایجابیِ آنی ساده» هستند؛ توضیح اینکه اولاً تنها با «فعل» واقع می‌شوند، به‌رغم آنکه خودکشی سلبی قابل تصور است، مانند ترغیب دیگری به خودکشی با اعتصاب غذا؛ ثانیاً در لحظه قابل تحقق‌اند، یعنی لازمه وقوع آن، «استمرار زمانی رفتار» نیست؛ ثالثاً چندجزئی (چندرفتاری) نیستند؛ یعنی برخلاف موادی نظیر تبصره ماده ۵۱۰ و ماده ۵۳۰ ق.م.ا.ت^۲ رفتارهای مجرمانه، ترکیبی از دو یا چند جزء (رفتار) مختلف نبوده و به‌تنهایی نیز منجر به وقوع جرم مذکور می‌گردند.

۱. مقنن افغان، ماده مذکور را ذیل عنوان «تحریک به خودکشی» آورده است؛ حال آنکه در ماده فوق‌الذکر، علاوه بر تحریک، کمک‌رسانی به هر شیوه و طریقی در خودکشی، جرم‌انگاری شده است و این گویای آن است که تناسب منطقی بین عنوان و محتوا لحاظ نشده است. به زبان ساده، عنوان محدودتر از محتواست و این امر، زینده قانون‌نگاری قاعده‌مند نیست.

۲. در تبصره ماده ۵۱۰، «شناسایی»، «جذب» و «معرفی» -جاسوس به دولت خصم یا کشورهای بیگانه و در ماده ۵۳۰ «به‌دست آوردن» و «استعمال کردن یا سبب استعمال شدن» -غیرقانونی مُهر، تمبر یا علامت ادارات، شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها، رفتار مجرمانه محسوب می‌شوند.

سه. دقت در رفتارهای مجرمانه فوق گویای آن است که همانند مواد ۵۰۳، ۵۱۱، ۵۱۲ و بند «ب» ماده ۶۳۹ ق.م.ا.ت و همچنین مواد ۲۵۴ و ۲۵۶ (ک.ج.ا) رفتار مساعدت کننده، ماهیتاً «معاونت در جرم» است؛ اما به دلایلی نظیر آسان‌سازی محکومیت مرتکب، تحت «عنوان مجرمانه مستقل» تصویب شده است تا نیازی به اثبات وجود شرایط قانونی معاونت نباشد.

قابل ذکر است اگرچه ماده ۱۵ (ق.ک.م.ح.ت) قائل به نسخ «مصادیق خاص قانونی معاونت در جرم» شده است، لکن این مورد تنها شامل جرائمی می‌شود که تحت عنوان «معاونت در جرم»، تصویب شده‌اند، مانند تبصره ماده ۶۱۲ (ق.م.ا)^۱ نه جرائمی که ماهیتاً معاونت بوده، ولی عنوان مجرمانه مستقل دارند (همانند جرم مورد بحث).

چهار. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصداق «فراهم آوردن» - موجبات ارتکاب و در کود جزا افغانستان، مصداق «کمک کردن به نحوی از انحاء»، دارای حصر منطوقی‌اند، نه مفهومی؛ یعنی به مثابه ظرفی‌اند که خود مشتمل بر مواردی نظیر تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، تهیه وسایل، ارائه طریق و نظیر آن هستند. بدیهی است که مصداق «تسهیل» نیز دارای این ویژگی است که این امر، دست قاضی را در محکوم کردن مساعدت کننده باز می‌گذارد.

در همین راستا گفتنی است اگرچه قانون‌گذار افغان، صرفاً به مصداق «تحریک» تصریح کرده است؛ اما از آنجا که تحریک از باب تفعیل، به معنای «ایجاد حرکت در کسی یا چیزی» است، این مورد خود دربرگیرنده مصادیقی مثل ترغیب و تهدید و تطمیع است؛ چراکه مرتکب گاهی با ایجاد رغبت، گاه با ترساندن و گاه با به طمع انداختن، دیگری را به سمت ارتکاب خودکشی به حرکت درمی‌آورد. به دیگر سخن، مقنن به حکم «چون که صد آید، نود هم پیش ماست»، تحریک را واژه‌ای جامع دانسته که مصادیق فوق را در بر می‌گیرد.

۲-۲. شرایط قانونی

شرایط قانونی لازم برای تحقق جرم مساعدت در خودکشی، در قوانین جزایی ایران و افغانستان، به دو دسته شرایط «عمومی» و شرایط «اختصاصی»، به شرح زیر قابل تقسیم‌اند:

۱. مطابق با این تبصره: «در این مورد، معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود».

نخست. شرایط عمومی: منظور از شرایط عمومی، آن دسته از شرایطی است که هم در قوانین جزایی ایران و هم کود جزا افغانستان، مشترک بوده و در تمامی صور باید به اثبات رسند. این شرایط که دو مورد می‌باشند، عبارت‌اند از:

شرط عمومی اول، موضوع مساعدت باید «انسان زنده» باشد؛ یعنی مساعدت شونده (مُعان) باید «دارای حیات مستقر» باشد، چراکه مساعدت در خودکشیِ شخصی که «فوت» کرده است، معنایی ندارد. در مورد مساعدت در خودکشیِ شخصی که دارای «حیات غیر مستقر» است نیز به نظر نمی‌رسد بتوان مرتکب را به مجازات جرم مذکور محکوم نمود؛ چون لازمه خودکشی، وجود حیات مستقر در شخص خودکشی کننده است که در اینجا وجود ندارد. جالب آنکه مقنن ایرانی نیز در ماده ۳۷۲ (ق.م.ا) پایان دادن به حیات غیر مستقر شخصی که تنها آخرین رمق حیات در او باقی است را «جنایت بر میت» تلقی کرده است.^۱ به بیان ساده قانون‌گذار ایرانی، شخص دارای حیات غیر مستقر را «میت» (یا به تعبیر دقیق‌تر، در حکم میت) فرض کرده است، نه یک انسان زنده و به نظر نمی‌رسد در این میان، واحد یا متعدد بودن جانی و مجنی‌علیه حائز اهمیت باشد.

بنابراین شخصی که به مجروحی که بر اثر خونریزی شدید، در آستانه مرگ بوده؛ به سختی سخن گفته و حرکت می‌کند و آخرین رمق حیات در وی باقی مانده است، شربت‌گشوده‌ای داده تا از رنج فزاینده خلاصی یابد و مجروح نیز عالمانه آن را بنوشد و بمیرد، مشمول جرم مساعدت در خودکشی نمی‌گردد؛ برخلاف شخصی که ساکن طبقه فوقانی آپارتمان آتش گرفته را - که هیچ راه گریزی از مهلکه پیش آمده ندارد - برای رهایی از مرگ زجرآور در آتش، تحریک به خودکشی با اسلحه نماید و وی نیز چنین کند.

حال که اهمیت وجود «حیات مستقر» در شخص خودکشی کننده روشن گردید، این پرسش قابل طرح است که معیار تفکیک حیات مستقر از غیر مستقر چیست؟ به دیگر سخن، چه زمانی می‌توان یک شخص را «در حکم مُرده» قلمداد کرد، درحالی‌که هنوز دارای علائم ظاهری حیات است! هرچند برخی از فقها بدون ارائه معیاری دقیق از «حیات مستقر»، صرفاً به بیان حکم مسئله بسنده کرده‌اند (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۰: ۵۱۵؛ المحقق الحلی، ۱۴۰۹: ۹۷۶)؛ اما در مجموع، پاسخ بدین پرسش را می‌توان در سه دیدگاه فقهی حقوقی، به شرح زیر خلاصه نمود:

۱. در ماده ۳۷۲ ق.م.ا. آمده است: «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به‌گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد، نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد...».

۱. دیدگاه کمی: در این نگاه، تشخیص حیات غیرمستقر منوط به «مدت حیات» (طول زمان قابل زیستن) دانسته شده است. برای مثال، شیخ طوسی در المبسوط فی فقه الامامیه، لازمه حیات مستقر را «قابلیت حیات حداقل برای یک یا دو روز» می‌داند (الطوسی، ۱۳۸۷: ۲۰۳) و یا علامه حلی در قواعد الاحکام منظور از حیات غیرمستقر را حالتی می‌داند که شخص طی آن به‌زودی [که حداقل آن یک روز است] دچار مرگ می‌گردد (حلی، ۱۴۰۹: ۳۲۲).

۲. دیدگاه کیفی: در این نگاه با بی‌اعتبار شمردن معیار مدت، بدان جهت که آگاهی بر بقاء حیات در یک یا روز مشکل است، «کیفیت حیات» (موقعیت جسمانی و حالات شخص) ملاک دانسته شده است. برای نمونه آیت‌الله خوئی در مسئله ۲۴ مبانی تکمله‌المنهاج، حیات غیرمستقر را «زوال ادراک، آگاهی، سخن گفتن و حرکت اختیاری شخص» قلمداد کرده است (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸: ۲۱). هم‌نظر با ایشان، صاحب‌جواهر نیز معیار حیات غیرمستقر را در «فقدان ادراک و نُطق و حرکت اختیاری» جستجو می‌کنند (النجفی، ۱۳۸۵: ۵۸).

۳. دیدگاه ترکیبی: در این نگاه که به نظر قوی‌تر است، تلاش شده است که دو دیدگاه فوق با یکدیگر جمع گردد. برای نمونه، ابن ادریس در باب «الذبح و کیفیه وجوب التسمیه» در السرائر، هر دو معیار «انجام حرکات قوی» (دیدگاه کیفی) و «قابلیت زیست یک تا دو روزه» (دیدگاه کمی) را نشانه حیات مستقر دانسته است (ابن ادریس الحلی، ۱۴۱۰: ۱۰۸). همچنین یکی از حقوق‌دانان علاوه بر «فوریت مرگ» (دیدگاه کمی)، دو شرط «قطعیت مرگ» و «ضعف شدید و شرایط خاص جسمانی» (دیدگاه کیفی) را توأمان، شرط تحقق حیات غیرمستقر دانسته است؛ به‌نحوی که هیچ‌یک از ملاک‌های مذکور به‌تنهایی برای احراز حیات غیرمستقر کافی دانسته نشده است (صادقی، ۱۳۹۳: ۶۰-۵۹).

بنابراین برخلاف اغما یا بیهوشی،^۱ مرگ مغزی مسلم می‌تواند مصداق حیات غیرمستقر قلمداد شده و شخص، در حکم مُرده تلقی گردد؛ کما اینکه در «ماده‌واحدہ قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آن‌ها مسلم است مصوب ۱۳۷۹»، بیماران با مرگ مغزی مسلم در عرض «بیماران فوت شده» قرار گرفته‌اند. جالب آنکه نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۲۰۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ نیز شخص دارای مرگ مغزی را «میت» تلقی کرده و آثار و احکام حقوقی و قانونی مرگ را بر او مترتب دانسته است.

۱. در این باره، ماده ۶۸۱ (ق.م.ق) اشعار می‌دارد: «جنایت بر کسی که در اغما یا بیهوشی و مانند آن است از جهت احکام مربوط به قصاص و دیه، جنایت بر شخص هوشیار محسوب می‌شود».

البته آنچه بیان گردید نباید به تفسیر موسع از اصطلاح «حیات غیر مستقر» ختم گردد؛ به همین علت، این نگاه قابل دفاع است که با شک در مسئله مذکور، باید اصل استصحاب جاری گردد؛ یعنی می‌بایست فرض را بر این گذاشت که شخص در حکم مُرده نیست؛ حتی اگر این نگاه، در نهایت به ضرر متهم باشد (قیاسی، ۱۳۹۹: ۴۰).

شرط عمومی دوم: جهت رفتار مجرمانه (مساعدت) باید «خودکشی» باشد. در کنار متغیرهایی نظیر «شیوه»، «وسیله»، «زمان» و «مکان» ارتکاب رفتار مجرمانه، «جهت» نیز یکی از وجوه افتراق جرائم از یکدیگر است. مثلاً در پاره‌ای از جرائم رفتار مجرمانه، «تحریک کردن» است، اما آنچه به تفکیک آن‌ها از یکدیگر کمک می‌کند، جهت آن‌ها است؛ برای نمونه در قانون مجازات اسلامی، اگر جهت تحریک، «عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی» یا «جنگ و کشتار» باشد؛ مُحرک با وجود سایر شرایط قانونی، به ترتیب مشمول مواد ۵۰۳ و ۵۱۲ (ق.م.ا) می‌گردد. در کود جزا افغانستان نیز چنانچه جهت تحریک «جنگ داخلی» یا «تبعیض و تفرقه مذهبی، نژادی، قومی، زبانی یا منطوقی» باشد، مُحرک به ترتیب، به مجازات مقرر در مواد ۲۵۴ و ۲۵۶ (ک.ج.ا) محکوم خواهد شد. بنابراین غفلت از این متغیر مهم در ساختارشناسی جرائم، پیامدهای نامطلوب حقوقی به همراه خواهد داشت.

شایان ذکر است که میان حقوق‌دانان کیفری، در مورد جرم بودن رفتار «خودکشی» اختلاف نظر وجود دارد که در ادامه به اختصار مطرح می‌گردند:

۱. دیدگاه عدم جرم‌انگاری: مشهور حقوق‌دانان کیفری بر این باورند ایراد جنایت بر خویش (اعم از خودکشی و خودزنی) هر چند در قاموس شرع، گناهی کبیره است، اما قانون‌گذار را مُجاب به جرم‌انگاری نکرده است (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۷۰؛ آقایی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۸)؛ نگاهی که نه تنها در برخی نشست‌های قضایی مورد تأیید قرار گرفته است (اعتمادی، ۱۴۰۳: ۷۱)، بلکه با اصل برائت و تفاسیر مضیق و به نفع متهم نیز سازگارتر است. آری، به حکم «ما من عامٍ الا و قد خُص» ماده ۵۱ (ق.م.ج.ن.م) مصوب ۱۳۸۲ از معدود استثنائاتی است که طبق آن، هر نظامی که به منظور کسب امتیازاتی نظیر فرار از خدمت یا انجام وظیفه یا انتقال به مناطق مناسب‌تر، اقدام به خودزنی یا تهدید به آن نماید، سزاوار مجازات خواهد بود.

۲. دیدگاه جرم‌نگاری: در طرف مقابل، طیفی از حقوق‌دانان ایرانی، نظر مخالف را برگزیده‌اند. برای مثال، حقوق‌دانی با توسل به ماده ۴۶۵ (ق.م.ا)^۱ امکان ایراد جنایت بر خویش را مُسلم می‌داند. ایشان عدم ثبوت قصاص یا دیه در جنایت بر خویش را مانع جرم شناختن خودکشی یا خودزنی ندانسته؛ با تمسک به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و با توجه به ماده ۲۲۰ (ق.م.ا) مبنی بر پذیرش اطلاق آن اصل بر امور کیفری و تکلیف به مراجعه به منابع شرعی در موارد سکوت قانون، جرم بودن خودکشی و هرگونه تعذیب خویش را مُحَرِّز می‌داند (صادقی، ۱۳۹۳: ۶۵).

حقوق‌دان دیگری نیز با لحاظ اشکال شورای نگهبان به متن ماده ۲ لایحه قانون مجازات اسلامی^۲ و توسل به آیاتی نظیر آیه ۱۹۵ سوره بقره، حرام بودن عمل خودکشی را بدیهی می‌داند؛ آن را تابع قاعده فقهی «التعزیر لکل حرام» قرار داده و با لحاظ اصل ۱۶۷ ق.ا. قائل به جرم بودن خودکشی شده است. ایشان ثمره جرم‌نگاری این رفتار را در امکان کیفردهی معاونت در خودکشی و شروع به خودکشی جستجو می‌کند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۰۴).

البته در مورد چگونگی مجازات خودکشی‌کننده، در فرضی که شخص در مرحله شروع متوقف شده است، میان حقوق‌دانان فوق اختلاف نظر وجود دارد. برخی ماده ۶۹ (ق.م.ا) را جاری می‌دانند که اشعار می‌دارد: «مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند» (صادقی، ۱۳۹۳: ۶۶). اما طیفی دیگر با این عقیده همراهی نکرده؛ شروع به خودکشی را چنانچه با رفتاری حرام نظیر چاقو زدن یا سم خوردن حاصل شده باشد، بر اساس قاعده «التعزیر لکل حرام» دارای مجازات تعزیری می‌داند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

به‌رغم احترام، به نظر می‌رسد صحت هر دو نگاه مطروحه محل تردید است. اشکال نگاه نخست آن است که ماده ۶۹ (ق.م.ا) تنها ناظر به حالاتی است که اصل جرم بودن رفتار در قوانین موضوعه آمده، اما صرفاً «نوع» یا «میزان» تعزیر آن مشخص نشده است؛ مانند ماده ۲۸ قانون مطبوعات که اشعار می‌دارد: «انتشار عکس‌ها و

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «عاقله، مکلف به پرداخت دیه جنایت‌هایی که شخص بر خود وارد می‌سازد نیست».

۲. ماده ۲ لایحه مقرر می‌داشت: «جرم، فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است و هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی‌توان جرم دانست، مگر در آنکه در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد». اما شورای نگهبان در بخشی از نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۷۱۳۵ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ بیان شده است: «در ماده ۲، از این جهت که فعل یا ترک فعلی را که شرعاً مجازات داشته باشد، ولی قانون متعرض آن نشده، مستوجب مجازات نمی‌داند، خلاف موازین شرع شناخته شد».

تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود». پس شامل مواردی که از اساس رفتاری جرم نیست، نخواهد شد؛ نظیر خودکشی، شروع به جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ و یا معاونت در جرائم تعزیری درجه ۸.

اشکال نگاه دوم نیز آن است که سپردن اختیار تعیین نوع و میزان مجازات به قاضی، آن هم عموماً قضات مأذون، امری مخاطره‌آفرین خواهد بود که نتیجه قابل پیش‌بینی آن تشبث آراء و سلیقه‌ای شدن احکام جزایی است؛ به ویژه آنکه هم در ماده ۱۲ و هم میانه ماده ۱۸ (ق.م.ا) قانون‌گذار تمامی احکام مجازات تعزیری را مبتنی بر «قانون» دانسته است.

جالب آنکه برخی معتقدند با استناد به ماده ۶۳۸ (ق.م.ا.ت)^۱ «تظاهر به خودکشی جرم است، اعم از اینکه خودکشی را جرم بدانیم یا ندانیم ... بر این اساس، اگر خودکشی و شروع به آن را جرم و قابل مجازات بدانیم، تظاهر به آن مشمول صدر ماده است و اگر آن را جرم ندانیم، تظاهر به آن در مواردی که صدق جریحه‌دار کردن عفت عمومی کند، مشمول ذیل ماده است» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۰۵).

به نظر این نگاه نیز محکوم به بطلان است؛ چراکه قسمت نخست ماده، به قرینه قید «... علاوه بر کیفر عمل...» ناظر به رفتارهایی است که در قانون جرم و دارای کیفر می‌باشند؛ حال آنکه ثابت گردید خودکشی در قوانین جزایی ایران جرم پنداشته نمی‌شود. قسمت دوم ماده نیز در فرضی قابل اعمال است که رفتار غیر مجرمانه، «عفت عمومی» را جریحه‌دار کند. رفتارهای منافی عفت نیز مستند به تبصره ماده ۳۰۶ (ق.آ.د.ک)^۲ و به حکم اینکه «الفاظ حمل بر معانی عرفیه می‌شوند» ناظر به رفتارهای مرتبط با امور جنسی و روابط نامشروع مانند تقبیل و مضاجعه است. بنابراین خودکشی هرچند می‌تواند برهم زننده «نظم عمومی» باشد، اما برخلاف رفتارهایی نظیر خودارضایی، حتی اگر در انتظار عمومی واقع گردد، پتانسیل جریحه‌دار کردن «عفت عمومی» را ندارد. در مقام تأیید این نگاه می‌توان به مواد قبل و بعد ماده ۶۳۸ (ق.م.ا.ت) نظر کرد که مرتبط با روابط نامشروع مادون زنا ماده ۶۳۷ (ق.م.ا.ت)؛ دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشاء ماده ۶۳۹ (ق.م.ا.ت) و توزیع، ساخت و وارد یا صادر

۱. این ماده اشعار می‌دارد: «هرکس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

۲. تبصره فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است».

کردن فیلم‌های مستهجن و مبتذل ماده ۶۴۰ (ق.م.ا.ت) می‌باشند که همگی دایر مدار روابط جنسی و رفتارهای غیراخلاقی‌اند. بنابراین ماده ۶۳۸ (ق.م.ا.ت) نیز می‌بایست در بستر چنین فضایی تفسیر گردد. بر این دلایل، لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری و اعمال تفسیر به نفع متهم را نیز می‌توان افزود که لازمه آن، خروج تظاهر به خودکشی از شمول ماده اخیرالذکر است.

شایان ذکر است که این چالش حقوقی در کود جزا افغانستان وجود ندارد؛ چون بند (۴) از ماده ۵۴۸ مقرر می‌دارد: «شروع‌کننده به خودکشی مجازات نمی‌گردد». بنابراین مناسب است که مقنن ایرانی نیز برای پایان بخشیدن به اختلاف حقوقی فوق، دست به کار شده و در قابل یک مصوبه، تکلیف قضات محترم دادگاه‌های کیفری را مشخص نماید.

دوم. شرایط اختصاصی: شرایط اختصاصی، به آن دسته از شرایط گفته می‌شود که به شکل موردی پیش‌بینی شده و در تمامی صور قانونی جرم مساعدت در خودکشی وجود ندارد. این شرایط که یکی در «قانون جرائم رایانه‌ای» و دیگری در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» ایران وجود دارد، عبارت‌اند از:

شرط اختصاصی اول: در قانون جرائم رایانه‌ای، قانون‌گذار ایرانی در ماده ۷۴۳ یک شرط اختصاصی را برای وقوع جرم مساعدت در خودکشی پیش‌بینی کرده است که در دیگر موارد، اعم از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ایران و کود جزا افغانستان به چشم نمی‌خورد. این شرط مرتبط با «بستر مجرمانه» (بستری که جرم در آن ارتکاب‌یافتنی است) است. به دیگر سخن، جرم موضوع ماده ۷۴۳ (ق.م.ا.ت) باید در بستر «سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده» ارتکاب یابد. به‌طورکلی، جرائم از منظر «بستر مجرمانه» به سه صورت قابل تحقق‌اند که به اختصار به شرح زیر می‌باشند:

مثال	فضای مجازی	فضای واقعی	
جاسوسی و مساعدت در خودکشی	+	+	۱
نگهداری مشروبات الکلی و حمل اسلحه غیرمجاز	-	+	۲
دسترسی غیرمجاز و شنود غیرمجاز	+	-	۳

از جدول فوق مشخص می‌شود برخلاف برخی از جرائم که صرفاً در فضای واقعی یا مجازی ارتکاب می‌یابند، مساعدت در خودکشی، مستند به مواد ۷۴۳ (ق.م.ا.ت) و ۱۴ (ق.ح.ا.ن) و همچنین ماده ۵۴۸ (ک.ج.ا) جزء

آن دسته از جرائمی است که هم در فضای واقعی و هم در فضای مجازی قابل وقوع است. باین عبارت، در قوانین ایران، مساعادت در خودکشی «رده‌های سنی جوانی، میان‌سالی و سالمندی»، تنها در فرضی دارای مجازات است که در بستر «سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده» باشد. بدیهی است که این امر قابل دفاع نبوده و ورود قانون‌گذار در رفع این خلأ تقنینی ضروری است. چگونه است که مثلاً تحریک یک جوان به خودکشی در فضای مجازی مجازات‌شدنی است، اما ارتکاب این رفتار در فضای واقعی که عموماً اثرگذاری آن بیش از فضای مجازی است، فاقد مجازات است! گفتنی است که توسل به‌عنوان «معاونت در جرم» و استناد به مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ (ق.م.ا) بدان علت که عموم حقوق‌دانان قائل به جرم بودن خودکشی نیستند، برطرف کننده نقیصه فوق نخواهد بود.

در تکمیل این بحث باید به موارد زیر که به تعریف و تفسیر این شرط می‌پردازد، توجه داشت: سامانه‌های رایانه‌ای: مجموعه‌ای از نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای مرتبط که از طریق یک شبکه رایانه‌ای جهت اجرای فرایندهای کار مشخصی، به یکدیگر متصل‌اند (بند (ب) ماده ۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی مصوب ۱۳۹۵).

سامانه‌های مخابراتی: هر نوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاه‌ها که برای انتقال الکترونیکی اطلاعات میان یک منبع (فرستنده، منبع نوری) و یک گیرنده یا آشکارسازی نوری از طریق یک یا چند مسیر ارتباطی به وسیله قراردادهایی که برای گیرنده قابل فهم و تفسیر باشد. (بند (پ) ماده ۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی مصوب ۱۳۹۵).

حامل‌های داده: ابزارهایی از نوع حافظه جانبی یا کمکی هستند که از آن‌ها برای ذخیره یا انتقال داده‌ها استفاده می‌شود. به این نوع ابزارها «وسایل ذخیره‌سازی» نیز می‌گویند. برخلاف حافظه اصلی که با قطع جریان برق، داده‌های موجود در آن از بین می‌روند، اطلاعات موجود در این نوع ابزارها (حافظه‌ها) همچنان به قوت خود باقی است. دیسک نرم (فلاپی دیسک)، لوحه فشرده (CD)، انواع حافظه فلش (فلش مموری) و کارت‌های حافظه جانبی اس دی از جمله مثال‌های این موردند. (بابایی، ۱۴۰۲: ۲۳؛ برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک. منصورآبادی، ۱۴۰۳: ۱۵-۱۷).

شرط اختصاصی دوم: برخلاف قانون جرائم رایانه‌ای ایران و کود جزا افغانستان، مطابق با ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان - که به‌نوعی تخصیص زننده ماده ۷۴۳ (ق.م.ا.ت) نیز است - «بزه‌دیده» دارای شرط است. به دیگر سخن، مساعادت کننده در خودکشی تنها زمانی مشمول ماده ۱۴ قانون اخیرالذکر می‌گردد

که بزه‌دیده «طفل» یا «نوجوان» باشد. مطابق با بندهای (الف) و (ب) از ماده ۱ (ق.ح.ا.ن)، طفل به شخصی گفته می‌شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده است؛ یعنی دختر تا نه و پسر تا پانزده سال تمام قمری (ماده ۱۴۷ ق.م.ا). نوجوان نیز به هر شخص زیر هجده سال تمام شمسی گفته می‌شود که به سن بلوغ شرعی رسیده است؛ یعنی دختر از نه سال تمام قمری تا هجده سال تمام شمسی و پسر از پانزده سال تمام قمری تا هجده سال تمام شمسی. بنابراین قانون‌گذار ایرانی در تعریف طفل و نوجوان، با فاصله گرفتن از معیار فقهی «حد بلوغ شرعی»، آنچه را که نهایتاً مورد پذیرش قرار داده است، ملاک «سن بلوغ شرعی» بوده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مصطفی‌پور، ۱۴۰۳: ۲۷-۲۵).

۳-۲. نتیجه

جرائم به اعتبار نتیجه، به جرائم «مطلق» و «مقید» دسته‌بندی می‌شوند. منظور از جرم مقید، جرمی است که در تحقق رکن مادی آن، افزون بر رفتار مجرمانه، به اثر و نتیجه‌ای ویژه نیز نیاز است و جرم مطلق، جرمی است که نیاز به اثر و نتیجه ندارد (منصورآبادی، ۱۴۰۰: ۲۲۸؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۴۷-۱۴۶). نکته قابل توجه آنکه معیار وجود یا عدم وجود نتیجه، «قانون» می‌باشد (ماده ۱۴۴ ق.م.ا)، نه عرف یا شرع. در کود جزا افغانستان نیز، نتیجه «محصول عملی جرمی است که از اثر ارتکاب فعل جرمی یا امتناع از اجرای فعل قانونی به وجود می‌آید» (ماده ۳۵).

در همین رابطه، مساعدت به خودکشی در قوانین جزایی ایران دارای دو صورت، به شرح زیر می‌باشد:

۱. به گواه ماده ۷۴۳ (ق.م.ا.ت) مساعدت در خودکشی به طرّقی نظیر تسهیل یا آموزش شیوه ارتکاب خودکشی یا دعوت بدان از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، جرمی «مطلق» بوده و فاقد نتیجه می‌باشد.

۲. مستند به ماده ۱۴ (ق.ح.ا.ن) مساعدت در خودکشی از طریق فراهم کردن موجبات خودکشی طفل یا نوجوان یا تسهیل آن، بسته به نتیجه حاصله، دارای مجازات پلکانی است. به بیان دیگر، این جرم در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هم به شکل «مقید» و هم «مطلق» پیش‌بینی شده است که به اختصار به شرح زیر است:

جرم مقید		
حبس درجه ۵ (بیش از دو تا پنج سال)	اگر رفتار مرتکب منجر به «خودکشی» گردد (بند الف)	۱
حبس درجه ۶ (بیش از شش ماه تا دو سال)	اگر رفتار مرتکب منجر به «ایراد آسیب جسمی یا روانی» گردد (بند ب)	۲
جرم مطلق		
حبس درجه ۸ (تا سه ماه حبس)	اگر رفتار مرتکب، مؤثر واقع نشود (بند پ)	۳

در همین راستا، توجه به نکات زیر الزامی است:

یک. محکومیت مرتکب به مجازات‌های فوق در فرضی است که وی «سبب اقوی از مباشر» نباشد؛ چراکه در این صورت با وجود شرایط قانونی، مسبب به قصاص نفس یا عضو محکوم خواهد شد. دو. در بند (پ) یعنی جایی که رفتار مرتکب مؤثر واقع نمی‌شود، پرسش قابل طرح این است که مقصود از عبارت «بی‌اثر بودن رفتار» چه بوده؛ و معیار تشخیص محدوده آن چیست؟ مثلاً اگر شخصی نوجوانی را تحریک به خودکشی از طریق مصرف ماده سمی نماید، چندین فرض قابل تصور است:

۱. نوجوان شخصاً از مصرف ماده سمی خودداری نماید؛

۲. نوجوان در هنگام شروع به مصرف ماده سمی، به جهت مداخله دیگری موفق به انجام نگردد؛

۳. نوجوان، پس از خوردن ماده سمی، به جهت اقدام سریع پزشکی و بدون ایراد آسیب زنده بماند.

به‌راستی مقصود از «بی‌اثر ماندن رفتار»، کدام‌یک از صورت‌های فوق است؟! هرچند ابهام موجود در ادبیات ماده، ارائه پاسخ متقن را دشوار می‌سازد، اما به نظر می‌رسد تمامی صور فوق تحت شمول این بند قرار می‌گیرند؛ چون در تمامی این موارد، نتیجه‌ای حاصل نشده است. با این عبارت، بعید است بتوان رفتارهای دارای آثاری منهای بند (ب) را نیز بر این بند افزود؛ مثلاً اگر رفتار مرتکب منجر به ایراد آسیب «حیثیتی»، نه روانی گردد؛ آیا مشمول بند (پ) خواهد بود؟ به نظر می‌رسد به جهت آنکه خلاف تفسیر مضیق و به نفع متهم بوده و با ظاهر این بند نیز سازگار نیست، پاسخ منفی است و این یعنی یک چالش جدی! چون اگر رفتار مُحرک منتهی به آسیب

حیثیتی گردد، می‌بایست وی را تبرئه نمود؛ حال آنکه اگر رفتارش هیچ نتیجه‌ای به همراه نداشته باشد، باید با جاری ساختن بند (پ)، وی را محکوم و سزاوار مجازات دانست!

در کود جزا افغانستان، مستند به ماده ۵۴۸، مساعدت در خودکشی به شکل «مقید» پیش‌بینی شده و دارای مجازات پلکانی است؛ مجازاتی که به دنبال رعایت تناسب بین نتایج حاصله از رفتار و مجازات‌ها است. این حالات در کود جزا افغانستان به شرح زیر است:

جرم مقید		
حبس طویل تا ۷ سال	اگر رفتار مرتکب منجر به «خودکشی» گردد (بند ۱)	۱
حبس متوسط (بیش از یک تا پنج سال)	اگر رفتار مرتکب منجر به «معلولیت» گردد (بند ۲)	۲
حبس قیصر (سه ماه تا یک سال)	اگر رفتار مرتکب به «شروع به خودکشی» ختم گردد (بند ۳)	۳

در خصوص ماده فوق توجه به نکات زیر فایده‌مند خواهد بود:

یک. برخلاف قانون ایران که از نوعی «سیاست کیفری افتراقی» برای اطفال و نوجوانان بهره برده است؛ در قانون افغانستان، جرم مساعدت در خودکشی تابع یک «قاعده کلی» بوده و هیچ تمایزی بین مساعدت شونده از منظر سن نگذاشته است؛ یعنی تفاوتی نمی‌کند مساعدت شونده طفل، نوجوان، جوان، میان‌سال و یا سالمند باشد. از سوی دیگر تفاوتی ندارد، بستر مجرمانه فضای واقعی باشد یا مجازی. در تأیید این نگاه می‌توان گفت قانون‌گذار افغان، در فصل اول از باب دوازدهم با عنوان «جرائم سایبری و مجازات آن»، برخلاف قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ ایران، در هیچ‌یک از مواد ۸۵۱ تا ۸۷۹ (ک.ج.ا) به جرم‌انگاری مستقلانه مساعدت در خودکشی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده اقدام نکرده است.

دو. در بند (۲) به جهت اطلاق عبارت مقنن افغان، واژه معلولیت اعم از معلولیت جسمی یا ذهنی است؛ یعنی تفاوتی نمی‌کند مساعدت شونده با قصد خودکشی، مثلاً بر اثر زدن رگ دست خود، کارایی‌اش را از بین ببرد (معلولیت جسمی) و یا بر اثر پرتاب کردن خود از بلندی و آسیب مغزی، دچار اختلال روانی شدید گردد (معلولیت ذهنی).

سه. برخلاف قانون ایران، در بند (۳) از ماده ۵۴۸ (ک.ج.ا) قانون گذار افغان از عبارت مبهم «فاقد اثرگذاری» استفاده نکرده و صرفاً به حالت «شروع به خودکشی» بسنده کرده است. بنابراین چنانچه رفتار مساعدت شونده به دیگر آثار ختم گردد، طبیعتاً از شمول این بند خارج خواهد بود.

۳. رکن روانی مساعدت در خودکشی

جرم مساعدت در خودکشی، هم در قانون جزای ایران و هم افغانستان، جزء جرائم عمدی است و اساساً به شکل غیرعمد قابل تحقق نیست. بنابراین رکن روانی آن، مطابق با ماده ۱۴۴ (ق.م.ا) و ۴۴ (ک.ج.ا) قابل تبیین است. مؤلفه‌های جرائم عمدی سوءنیت عام و سوءنیت خاص است. به اختصار، سوءنیت عام به «قصد (عمد در ارتکاب رفتار مجرمانه همراه با علم به موضوع جرم (هر شرط قانونی نیازمند علم)) و سوءنیت خاص به «قصد تحقق نتیجه یا علم به وقوع آن» گفته می‌شود ماده ۱۴۴ (ق.م.ا) در کود جزا افغانستان نیز، رکن روانی جرم عمدی به شکل «قصد جرمی» قصد مجرمانه علم و آگاهی به جرم» تعریف شده است (ماده ۳۸)؛ هرچند در این خصوص، تأمل در ماده ۴۴ نیز ضروری است.

بنابراین سوءنیت عام جرم مورد بحث، «عمد در مساعدت در خودکشی با علم به زنده بودن انسان یا طفل یا نوجوان بودن بزه‌دیده در ماده ۱۴ (ق.ح.ا.ن)» است. به شرحی که گذشت، از یک سو، مساعدت می‌تواند به صورت تحریک، تهدید، ترغیب، آموزش، تسهیل و نظیر آن باشد و از سوی دیگر، مقصود از انسان زنده نیز «انسان دارای حیات مستقر» است. بنابراین اگر شخصی در حال مستی، جنون، اکراه، هیپنوتیزم و نظیر آن در خودکشی دیگری مساعدت نماید، «عمدش» مخدوش بوده و چنانچه نسبت به زنده بودن دیگری یا طفل یا نوجوان بودن بزه‌دیده در ماده ۱۴ (ق.ح.ا.ن)، جاهل باشد «علمش» معتبر نیست و در تمامی این صور، سوءنیت عام وی فاقد اعتبار حقوقی است.

در مورد سوءنیت خاص نیز چنانچه جرم فوق به شکل «مطلق» واقع گردد، صرف وجود سوءنیت عام کافی بوده و نیازی به سوءنیت خاص ندارد (مانند بند (ب) ماده ۷۴۳ (ق.م.ا.ت) و یا بند (پ) ماده ۱۴ (ق.ح.ا.ن))، چون مطابق با عبارت انتهایی ماده ۱۴۴ (ق.م.ا) اصولاً جرائم مطلق فاقد سوءنیت خاص اند مگر آنکه به شکل استثنائی بدان تصریح شده باشد نظیر مواد ۵۰۳، ۵۱۲ و ۶۹۸ (ق.م.ا.ت) که البته در مورد جرم فوق، چنین تصریحی وجود ندارد؛ اما اگر به شکل «مقید» محقق گردد می‌بایست سوءنیت خاص مرتکب نیز در قالب‌هایی مثل «قصد خودکشی دیگری» یا «قصد ایراد آسیب جسمی یا روانی به دیگری» (بندهای الف) و (ب) ماده ۱۴ (ق.ح.ا.ن) و یا

بند (۱) ماده ۵۴۸ (ک.ج.ا.) یا «قصده معلولیت دیگری» (بند (۲) ماده ۵۴۸ (ک.ج.ا.)) یا علم به آن‌ها نیز محرز گردد.

نکته پایانی اینکه تفاوتی نمی‌کند انگیزه مساعدت کننده، شرافتمندانه (مثبت) یا غیرشرافتمندانه (منفی) باشد. به بیان ساده، چه مساعدت کننده با انگیزه رهایی شخصی از زندگی دردناکش، وی را به خودکشی ترغیب کند و چه از سرکینه، تنفر و یا حسادت چنین کند، در هر دو حال مشمول مواد فوق‌الذکر، اعم از قوانین جزای ایران یا کود جزای افغانستان، خواهد بود. دلیل آن نیز روشن است، چون انگیزه جزء مؤلفه‌های اصلی متشکله جرم نیست و تنها به شکل استثنایی ممکن است در جرم‌انگاری مانند ماده ۱ (ق.ج.س) یا کیفرگزینی مثل بند (پ) ماده ۳۸ (ق.م.ا.) مؤثر واقع شود.

جالب آنکه برخلاف قوانین جزایی ایران، در کود جزا افغانستان، انگیزه و هر دو صورت آن، در بندهای (۴) (۵) و (۶) از ماده ۴ بدین شکل تعریف شده‌اند:

۴. انگیزه جرمی [مجرمانه]: عبارت از محرک درونی جهت انجام عمل جرمی یا امتناع از مکلفیت قانونی است.

۵. انگیزه شریفانه: سبب و حالت بشردوستانه و نیروی جهت دهنده است که اراده شخص را برای رسیدن به هدف مشخص انسانی با حسن نیت به ارتکاب جرم سوق داده و به فعل درآورده باشد.

۶. انگیزه دنی: سبب و حالتی است که به صورت نیروی جهت دهنده تبارز نموده و اراده شخص را برای رسیدن به هدف پست به ارتکاب جرم سوق داده و به فعل درآورده باشد.

۴. مجازات مساعدت در خودکشی

پس از اتمام ارکان متشکله جرم (قانونی، مادی و روانی)، نوبت به بیان نوع و میزان مجازات این جرم می‌رسد. به‌طورکلی می‌توان گفت مجازات جرم مساعدت در خودکشی در قوانین ایران و افغانستان، در سه صورت به شرح زیر می‌باشند:

صورت اول، در قانون مجازات اسلامی، مجازات جرم موضوع ماده ۷۴۳ (ق.م.ا.ت)، حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۶۶،۰۰۰،۰۰۰ تا ۲۶۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال یا هر دو مجازات می‌باشد.

از آنجا که مجازات فوق «درجه شش» می‌باشد (ماده ۱۹ ق.م.ا.)؛ این جرم، فاقد شروع به جرم کیفری و مجازات تبعی است. مواد ۱۲۲ و ۲۵ (ق.م.ا.)؛ اگرچه مجازات تکمیلی بر آن قابل اعمال است، ماده ۲۳ (ق.م.ا.). هر چند

عموم نهادهای کیفری ارفاقی نظیر تعویق صدور حکم ماده ۴۰ (ق.م.ا)، تعلیق اجرای مجازات ماده ۴۶ (ق.م.ا)، نیمه‌آزادی ماده ۵۷ (ق.م.ا)، آزادی مشروط ماده ۵۸ (ق.م.ا) و توبه به‌عنوان عامل سقوط مجازات ماده ۱۱۵ (ق.م.ا) نسبت به آن اعمال‌شدنی است، لکن مواردی نظیر معافیت قضایی از کیفر ماده ۳۹ (ق.م.ا) و فرار بایگانی کردن پرونده، ماده ۸۰ (ق.آ.د.ک) مشمول آن نمی‌گردد. به‌علاوه، چون این جرم غیر قابل گذشت است. ماده ۱۰۴ اصلاحی (ق.م.ا)، گذشت شاکی تنها از جهات «تخفیف قضایی» است (بند الف) ماده ۳۸ (ق.م.ا)، یعنی دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد، بدون آنکه الزام قانونی وجود داشته باشد.

صورت دوم. در مورد کیفرگذاری در ماده ۱۴ (ق.ح.ا.ن) باید گفت مجازات بند (الف)، حبس درجه پنج است. این مورد، هرچند از شمول مجازات‌های جایگزین حبس (مواد ۶۵ تا ۶۷ ق.م.ا) و نهادهایی نظیر معافیت قضایی از کیفر ماده ۳۹ (ق.م.ا) و تعویق صدور حکم ماده ۴۰ (ق.م.ا) خارج است، اما طیف قابل توجهی از نهادهای کیفری ارفاقی مانند تعلیق اجرای مجازات ماده ۴۶ (ق.م.ا) و توبه به‌عنوان عامل مخففه قضایی ماده ۱۱۵ (ق.م.ا) نسبت به آن اعمال‌شدنی است.

گفتنی است مجازات بند (ب) نیز چون حبس درجه شش است، احکامی مشابه با ماده ۷۴۳ (ق.م.ا) دارد که از تکرار آن خودداری می‌گردد. در مورد بند (پ) نیز حکم‌دهی به «مجازات‌های جایگزین حبس» اجباری است؛ چراکه ماده ۶۵ (ق.م.ا) اشعار می‌دارد: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند». بدیهی است که اعمال جایگزین‌های حبس در این فرض، برخلاف موادی نظیر ۶۶ و ۶۷ (ق.م.ا) «الزامی مطلق» است؛ یعنی قاضی بدون هیچ شرطی می‌بایست آن را تبدیل به جایگزین‌های حبس نماید. همچنین برخلاف مجازات تکمیلی که بر بندهای سه‌گانه این ماده قابل اعمال است، ماده ۲۳ (ق.م.ا)؛ مجازات تبعی تنها در بند (الف)، آن‌هم به مدت دو سال، اجرا می‌گردد مواد ۱۲۲ و ۲۵ (ق.م.ا).

در پایان باید گفت ماده فوق، در کنار پرداخت دیه، اعمال مجازات تعزیری را در فرضی پذیرفته است که رفتار مرتکب، مشمول مجازات حدی یا مستوجب قصاص نباشد. پس اگر مثلاً مرگ طفل یا نوجوان، چنانچه مباشر ضعیف تلقی گردند، مستند به سبب اقوی (مساعدت کننده) باشد، جرم ارتکاب یافته «قتل عمد» بوده و مرتکب به «قصاص نفس» محکوم خواهد شد. و چنانچه این جرم به شکل «گسترده» واقع گردد، چه بسا مسبب را با

لحاظ ماده ۲۸۶ (ق.م.ا) و به جهت ارتکاب «جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد»، مشمول عنوان حدی افساد فی الارض قرار دهد.

صورت سوم، در مورد مجازات پیش‌بینی شده در ماده ۵۴۸ از کود جزا افغانستان نیز باید بیان داشت مطابق با مواد ۳۰ و ۳۱ (ک.ج.ا)،^۱ رفتار مساعدت‌کننده در بند (۱) ماده ۵۴۷ (ک.ج.ا) از نوع «جنایت» و در بندهای (۲) و (۳) از نوع «جُنحه» است. مجازات شروع به جنایت، در مواردی که جزای اصل جرم، حبس طویل باشد، حبس قیصر یعنی سه ماه تا یک سال حبس است (بند (۴) از ماده ۵۲ (ک.ج.ا)) و مجازات شروع به جُنحه نیز از یک چهارم حداقل جزایی که در قانون برای اصل جرم پیش‌بینی شده است، بیشتر نیست، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد (ماده ۵۳ ک.ج.ا). همچنین، بندهای سه‌گانه ماده ۵۴۷ (ک.ج.ا) فاقد مجازات تبعی می‌باشند (ماده ۱۷۲ ک.ج.ا).^۲ در مورد مجازات تکمیلی نیز باید در نظر داشت اگر رفتار مرتکب باعث «خودکشی» یا «معلولیت» گردد (بندهای ۱ و ۲)، دادگاه می‌تواند محکوم را علاوه بر جزای اصلی، از حقوق و امتیازات مندرج در اجزای ۳، ۴ و ۵ ماده ۱۷۲ این قانون نیز محروم سازد؛ اما اگر رفتار مرتکب به «شروع به خودکشی» منتهی گردد (بند ۳) مجازات تکمیلی قابل اعمال نیست (ماده ۱۷۹ ک.ج.ا).

بر مطالب بالا باید افزود که حقوق اجتماعی مندرج در بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۱۷۲ (ک.ج.ا) عبارت‌اند از: استفاده از نشان‌ها، مدال‌ها و القاب افتخاری دولتی (بند ۳)، عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسه‌ها در صورت محکومیت به سبب ارتکاب جرائم فساد اداری و مالی (بند ۴) و عقد قرارداد با ادارات، تصدی‌ها، مؤسسه‌های دولتی و مختلط یا کسب امتیاز از طرف دولت، در صورت ارتکاب جرائم مالی (بند ۵).

نتیجه‌گیری

به شرحی که گذشت هرچند نفس خودکشی در ایران و افغانستان جرم نیست و به تبع، شروع کننده آن را نیز نمی‌توان مجازات کرد، لکن در هر دو نظام حقوقی، مساعدت‌کننده خودکشی قابل مجازات دانسته شده است. اینکه این نگرش به چه میزان حمایت‌شدنی است که نفس یک رفتار قابل مجازات نباشد، اما یاری‌رسانی به آن

۱. به ترتیب، مواد ۳۰ و ۳۱ ک.ج.ا. مقرر می‌دارند: «جنحه، جرمی است که جزای آن در این قانون بدیل حبس، جزای نقدی، حبس قیصر یا حبس متوسط تعیین شده باشد»؛ «جنایت، جرمی است که جزای آن در این قانون، حبس طویل، حبس دوام درجه ۲، حبس دوام درجه ۱ و یا اعدام تعیین شده باشد».

۲. مطابق با ماده ۱۷۲ ک.ج.ا. تنها شخصی که به جزای حبس بیش از ده سال یا به حبس کمتر از ده سال در جرائم مندرج در باب اول و دوم کتاب دوم این قانون (جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و تروریسم) محکوم گردد، از حقوق و امتیازات مذکور در این ماده محروم می‌شود.

چرا، پژوهشی مستقل را می‌طلبد. اما در فضایی حقوقی موجود، می‌توان بدین نتیجه رسید که در قوانین جزایی ایران، مساعدت در خودکشی، به‌عنوان یک جرم تعزیری «عام» به تصویب نرسیده است؛ یعنی به‌مثابه یک رفتار مجرمانه، دارای حکم کلی نیست که ناظر به همه شخصیت‌ها (از اطفال تا سالمندان) و همه موقعیت‌ها (واقعی و مجازی) باشد. به دیگر سخن، قانون جرائم رایانه‌ای، هرچند ناظر به «همگان» است اما صرفاً در «فضای مجازی» به جرم‌انگاری پرداخته است (بند (ب) ماده ۷۴۳ ق.م.ا.ت) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هرچند ناظر به «فضای واقعی و مجازی» توأمان است، اما صرفاً به بزه‌دیدگی «اطفال و نوجوانان» اختصاص یافته است (ماده ۱۴ ق.ح.ا.ن).

بنابراین مساعدت در خودکشی «جوانان به بعد» در «فضای واقعی»، امری فاقد مجازات و بدون ضمانت اجرای کیفری است؛ درحالی‌که از یک سو، جوانان و میان‌سالان به دلایلی نظیر مشکلات خانوادگی یا شکست‌های عاشقانه، تمایلات تکانشی، ایزوله‌سازی اجتماعی، وجود خوسه خودکشی در جامعه، مرگ عزیزان، مشکلات مالی و اعتیاد و از سوی دیگر، سالمندان به جهاتی مثل اختلالات ارزشی (نگرانی بابت سربرابری)، نومیدی، اختلالات گفتاری یا حرکتی، بی‌رغبتی به زندگی و اختلالات خواب (کم‌خوابی، بی‌خوابی یا خواب‌آلودگی روزانه)، از پتانسیل خودکشی نسبتاً بالایی برخوردارند.

این در حالی است که در کود جزا افغانستان، مساعدت در خودکشی در قالب یک قاعده عام جزایی، جرم‌انگاری شده است و متناسب با نتیجه حاصله، مجازات تعیین شده است. البته این قانون‌نگاری موسع با تمرکز بر «نتیجه‌بخش» بودن مهار شده است؛ یعنی یاری‌رسانی در خودکشی تنها زمانی جرم تلقی شده است که دارای نتیجه باشد که حداقل آن «شروع به خودکشی» است. درست برخلاف قوانین جزایی ایران که در برخی از صور، نفس مساعدت در خودکشی، حتی اگر هیچ اثری نیز برجای نگذارد، مضمحل مجازات دانسته شده است.

به‌راستی کدام نگاه قابل دفاع‌تر است: مانند کود جزا افغانستان با قانون‌نگاری «موسع» (ناظر به همگان در فضای واقعی و مجازی) اما مقید به «نتیجه» یا مثل قوانین جزایی ایران با قانون‌نگاری «مضیق» (عدم جرم‌انگاری برای جوانان و میان‌سالان و سالمندان در فضای واقعی)، اما گاهی به شکل «مطلق» و بدون نیاز به اثربخش بودن؟! به نظرمی رسد پاسخ‌دهی بدین پرسش تا حدی، سلیقه‌ای و ذوقی است، لکن نگارنده (گان)، دیدگاه نخست را منطقی‌تر و بهتر می‌داند.

فهرست منابع

- ابن ادریس الحلّی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۰). **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، الجزء الثالثه، الطبعه الثانيه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۹). **حقوق جزای عمومی**، جلد ۱، چاپ شصت و دوم، تهران: انتشارات میزان.
- اعتمادی، امیر (۱۴۰۳). **جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۲). **جرائم علیه اشخاص (جنایات)**، چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.
- بابایی، جواد (۱۴۰۲). **جرائم رایانه‌ای و آیین دادرسی حاکم بر آن**، چاپ هشتم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۱). **قواعد فقه جزایی**، چاپ سوم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۶). **جرائم علیه اشخاص (قتل)**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۰۹). **قواعد الاحکام**، الجزء الثالثه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- الشیخ الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۷). **المبسوط فی فقه الامامیه**، الجزء السابع، الطبعه الثالثه، تهران: المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۳). **جرائم علیه اشخاص**، چاپ بیستم، تهران: انتشارات میزان.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۹). **جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- المحقق الحلّی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۹). **شرائع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال**، المجلد الرابعه، الطبعه الثانيه، تهران: انتشارات استقلال.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴). **قواعد فقه (بخش جزایی)**، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفی پور، مسعود (۱۴۰۳). **جرم‌شناسی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان**، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- منصورآبادی، عباس (۱۴۰۰). **حقوق جزای عمومی (۱)**، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- منصورآبادی، عباس؛ منصورآبادی، علیرضا (۱۴۰۳). **حقوق جرائم رایانه‌ای و مجازی**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- الموسوی الخمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۰). **تحریر الوسیله**، الجزء الثانيه، الطبعه التاسعه، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- الموسوی الخوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۸). **مبانی تکمله المنهاج**، جلد ۴۲، چاپ سوم، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). **جرائم علیه اشخاص**، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات میزان.

النجفی، الشیخ محمدحسن (۱۳۸۵). **جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام**، الجزء الثاني و الاربعون، الطبعة الخامسة، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی ۱۳۹۵

قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲

قانون مطبوعات ۱۳۶۴

کود جزا افغانستان ۱۳۹۵

References

In Persian

Afghanistan Penal Code 2016

Aghaei-Nia, Hossein, (2013). **Crimes against Persons (Felonies)**, 9th Edition, Tehran, Mizan Publications.

Ardebili, Mohammad Ali, (2019). **General Criminal Law**, Volume One, Sixty-second Edition, Tehran, Mizan Publications.

Armed Forces Crimes Punishment Act 2003

Babaei, Javad, (2023). **Computer Crimes and the Procedure Governing It**, 8th Edition, Tehran, Judiciary Press and Publications Center.

Code of Practice on How to Use of Computer and Telecommunications Systems 2016

E'temadi, Amir, (2024). **Offences against Physical Integrity of the Person**, First Edition, Tehran, Mizan Publications.

Hajidehabadi, Ahmad, (2012). **Rules of Criminal Jurisprudence**, Third Edition, Qom, Seminary and University Research Institute Publications.

Hajidehabadi, Ahmad, (2017). **Crimes against the Person (Homicide)**, First Edition, Tehran, Mizan Publications.

Islamic Penal Code 2013

Mansourabadi, Abbas, (2021), **General Criminal Law (1)**, Volume One, Third Edition, Tehran, Mizan Publications.

Mansourabadi, Abbas & Mansourabadi, Alireza, (2023), **Computer and Virtual Crimes Law**, First Edition, Tehran, Mizan Publications.

Mirmohammad Sadeghi, Hossein, (2013), **Offences against the Person**, 12th Edition, Tehran, Mizan Publications.

Mohaqq-e-Damad, Sayyed Mustafa, (2005). **Rules of Jurisprudence (Criminal Section)**, Fifth Edition, Tehran, Islamic Sciences Publishing Center.

Mostafapour, Masoud, (2023). **Criminology of Juvenile Criminal Law**, 2nd Edition, Tehran, Mizan

Publications.

Political Crime Act 2016

Press Act 1985

Protection of Children and Adolescents Act 2019

Qiyasi, Jalal-eddin, (2019). **Crimes against Physical Integrity of the Person**, First Edition, Tehran, Mizan Publications

Reducing T'aziri Imprisonment Punishment Act 2020

Sadeghi, Mohammad-Hadi, (2014). **Crimes against the Person**, 20th Edition, Tehran, Mizan Publications.

In Arabic

Ibn Idris al-Hilli, Fakhr al-Din Abu Abdullah Muhammad ibn Ahmad, (1989), **Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawa**, Part Three, Second Edition, Qom, Islamic Publishing Institute affiliated with the Teachers' Association.

Al-Hilli, Hassan bin Yusuf bin Mutahhar Asadi, (1988), **Qawa'id al-Ahkam**, Part Three, Qom, Islamic Publishing Institute affiliated with the Teachers' Association.

Al-Muhaqqiq Al-Hilli, Abu Al-Qasim Najm Al-Din Ja'far bin Al-Hasan, (1988), **Shara'i Al-Islam fi Masa'il Al-Haram wa Al-Halal**, Volume 4, Second Edition, Tehran, Esteghlal Publications.

Al-Musawi Al-Khuwai, Sayyed al-Qasim, (2007), **Fundamentals of the Completion of the Al-Minhaj**, Volume 42, Third Edition, Qom, Institute for the Revival of the Works of Imam Al-Khuwai.

Al-Musawi Khomeini, Sayyed Ruhollah, (2001), **Tahrir al-Wasilah**, Part Two, Ninth Edition, Qom, Dar al-Ilm Publishing House.

Al-Najafi, Sheikh Muhammad Hassan, (2006), **Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam**, Part 42, Fifth Edition, Tehran, Darul Kutub Al-Islamiyya.

Sheikh Al-Tusi, Abu Ja'far Muhammad Ibn Al-Hassan, (2008), **Al-Mabsut fi Fiqh Al-Imamiyya**, Part Seven, Third Edition, Tehran, Al-Maktabah Al-Murtadawiyah li-Ihya' Al-Athar Al-Ja'fariyya.